

## مقصود از افضلیت بنی اسرائیل در آیه «أَنْتِ فَضَّلْتِكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»

علیرضا کمالی\*

## چکیده

آیه شریفه «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنْتِ فَضَّلْتِكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» دو بار در قرآن تکرار شده است. خدای متعال در این آیه از بنی اسرائیل خواستار یادآوری نعمت‌هایی می‌شود که به آنها عطا فرموده است. قرآن کریم در آیات مختلفی به بیان گوشه‌هایی از این نعمت‌ها پرداخته است. نجات بنی اسرائیل از چنگال آل فرعون، ارسال پیامبران کثیر، نزول تورات و من و سلوی، سایه افکندن ابر در بیابان سوزان و جوشش چشمه‌ای از سنگ به‌عنوان بخش‌هایی از نعمت‌های الهی بر بنی اسرائیل است. آیه مورد بحث بیانگر برتری بنی اسرائیل و یهودیان بر جهانیان است، اما وجود آیاتی ناظر به برتری امت پیامبر ﷺ و نیز مورد لعن و نفرین قرارگرفتن عده‌ای از بنی اسرائیل، موجبات تعارض با این آیه را فراهم آورده است. تبیین دقیق «بنی اسرائیل»، «وجوه تفضیل آنان» و «عالمین» در این آیه، باعث روشن شدن تفسیر آیه و رفع تعارضات در آن خواهد شد. این مقاله بیانگر آن است که آیه شریفه مورد بحث، در این سه ناحیه عام و مطلق نیست.

## واژگان کلیدی

آیه ۴۷ و ۱۲۲ بقره، بنی اسرائیل، برتری بنی اسرائیل، نعمت‌های بنی اسرائیل، عالمین.

### طرح مسئله

قرآن کریم حاوی آیات زیادی درباره بنی اسرائیل و سرگذشت آنان است، به نحوی که در میان سرگذشت پیامبران الهی طولانی‌ترین قصه، درباره حضرت موسی علیه السلام است. در میان آیات مربوط به بنی اسرائیل آیه شریفه «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» دو بار در سوره بقره تکرار شده است. (بقره / ۴۷ و ۱۲۲) بخش اول آیه؛ یعنی «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ» افزون بر دو آیه فوق در آیه ۴۰ سوره بقره نیز آمده است و در سوره مائده نیز از زبان حضرت موسی علیه السلام بیان شده است: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ» (مائده / ۲۰) بخش اخیر آیه؛ یعنی عبارت «وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» نیز سه بار در قرآن آمده است؛ بدین معنا که افزون بر دو آیه فوق در سوره جاثیه نیز با عبارت «وَ فَضَّلْنَاكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (جاثیه / ۱۶) بیان شده است.

قرار گرفتن ترکیب «وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» در سیاق جمله اسمیه، اطلاق «عَلَى الْعَالَمِينَ» و تکرار در سه جای قرآن، بیانگر تأکید و اهمیت موضوع برتری بنی اسرائیل بر عالمیان است. این بیان نورانی قرآن کریم برای هیچ گروهی بدین شکل نیامده است، به طوری که واژه «فَضَّلْتُ» فقط در این دسته از آیات آن هم راجع به بنی اسرائیل آمده است. در اینجا این پرسش مطرح است: با شناختی که از یهودیان بنی اسرائیل در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد، چگونه آنان می‌توانند بر جهانیان برتری داشته باشند؟ آیا این برتری مطلق است یا آنکه برتری، مقید به زمان یا افراد خاصی است؟ این مقاله با جستاری در تفاسیر به دنبال پاسخ به این گونه پرسش‌ها است.

### بنی اسرائیل

بنی اسرائیل مرکب از «بنی» و «اسرائیل» است. این ترکیب ۴۱ بار در قرآن تکرار شده است. «بنی»: جمع «ابن» و با «ولد»، «نسل» و «ذریه» از نظر معنا متقارب است، جز آنکه «ابن» به پسر، «ولد» به پسر و دختر و «نسل» و «ذریه» به همه اینها اطلاق می‌شود. (طوسی، بی‌تا: ۱ / ۱۸۰) اصل «ابن» از «بناء» است و آن نهادن چیزی بر چیزی است. «ابن» از «اب» گرفته شده است و از این جهت با اصل خود تشابه دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۴۷)

«اسرائیل»، نام حضرت یعقوب به زبان عبری است. این لفظ مرکب از دو جزء «اسرا» به معنای «بنده» و «ایل» به معنای الله است. از این رو اسرائیل به معنای عبدالله است. (طوسی، همان؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۳۳) مفسران در اینکه اسرائیل نام حضرت یعقوب و به معنای عبدالله است، اتفاق نظر دارند. (رازی، ۱۴۲۰: ۳ / ۴۷۴)

مقصود از بنی اسرائیل در این آیه یهود مدینه (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱ / ۱۰۲) و به گزارش طبری، دانشمندان یهود در مدینه است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۹۷) نسبت دادن بنی اسرائیل به حضرت یعقوب علیه السلام به جهت آن است که یعقوب پدر اعلای آنان است؛ چنان که ذریه آدم را به حضرت آدم علیه السلام نسبت می‌دهند، همان طور که قرآن می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزندان آدم! زیورتان را در هر مسجدی بگیرید». (اعراف / ۳۱)

ابن عباس نیز بنی اسرائیل را یهودیان مدینه و اطراف آن می‌داند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۲۰۸) در اینکه چرا مخاطب آیه فرزندان بنی اسرائیل است؟ باید گفت: نعمت‌های اعطا شده به پدران موجب الزام شکر برای فرزندان می‌شود؛ زیرا شرافت پدران به فرزندان سرایت می‌کند، از این رو خدا فرزندان را مخاطب خود قرار داد و فرمود: «فصلتکم» و فرمود: «فضلت آبائکم»؛ چراکه فضل فرزندان در فضل پدران نهفته است. (بروسوی، بی‌تا: ۱ / ۱۲۶) این نعمت‌هایی که به اسلاف و نیاکان بنی اسرائیل اعطا شده است، در واقع شامل حال فرزندان و ذریه آنان نیز شده است؛ زیرا آن آثاری که برای اسلاف بوده است بر فرزندان نیز مترتب است؛ بدین جهت که فرزندان از همین اسلاف هستند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۲۰۹)

عیاشی با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام خطاب «یا بنی اسرائیل» در این آیه را خاص اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته و در این زمینه روایتی را نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آورد که فرمود: «أنا عبد الله اسمي أحمد و أنا ابن عبد الله اسمي إسرائيل فما أمره فقد أمرني و ما عناه فقد عناني؛ من عبدالله هستم که نامم احمد است و من فرزند عبدالله هستم و نامم اسرائیل است، پس هر آنچه که بر او امر کرده بر من امر کرده و آنچه او را بازداشته، مرا بازداشته است». (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۴۴)

براساس این دسته از روایات و با استفاده از آیه «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ...» (اسراء / ۱) که پیامبر عبدالله و فرزند عبدالله است می‌توان مراد از «یا بنی اسرائیل» در آیه مورد بحث را در باطن، آل محمد صلی الله علیه و آله دانست. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴ / ۲۹۷) بنابراین هر خطاب نیکویی که در ظاهر متوجه بنی اسرائیل است، در باطن متوجه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان است.

همچنین با توجه به اینکه همه افراد بنی اسرائیل از نظر درجه ایمان و تقوای الهی یکسان نیستند، مشخص می‌گردد که مقصود از بنی اسرائیل، انسان‌های مؤمن از این قوم است؛ زیرا براساس آیات قرآن کریم خدا کافران این قوم را مورد نفرین و لعنت خود قرار داده است:

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ ... وَ لَكِنَّ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ  
فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا. (نساء / ۴۶)

برخی از آنان که یهودی‌اند، سخنان را از جایگاه‌هایش می‌گردانند ... و لیکن خدا، آنان را، به خاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است؛ از این‌رو جز اندکی ایمان نمی‌آورند.

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ ... ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ. (مائده / ۷۸)

کسانی از بنی‌اسرائیل [= فرزندان یعقوب]، که کفر ورزیدند ... لعنت شدند؛ این بدان سبب بود که نافرمانی کردند و همواره تعدی می‌نمودند.

فَبِمَا تَقْضِيهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ ... (مائده / ۱۳)

پس، به خاطر آنکه آنان پیمان‌شان را شکستند، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم.

## چرایی تکرار آیه

مقصود از تکرار، الفاظ یا جملاتی است که در یک متن بیش از یک بار به کار رفته باشد. در علوم بلاغی، در مباحثی همچون «اطناب» و «فصاحت کلام» از «تکرار» سخن به میان آمده است؛ اطناب؛ یعنی زیادت الفاظ بر معانی که در عین حال مفید نیز باشد، یا ادای معانی با عبارتی بیش از حد متعارف به جهت تقویت و تأکید آن. اطناب، دارای انواعی است که یکی از آنها تکرار است. تکرار به

انگیزه‌های خاصی صورت می‌گیرد. (بنگرید به: هاشمی، ۱۹۹۹: ۲۰۳ - ۲۰۱)

آیه ۴۷ سوره بقره به همراه آیه «وَ اتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره / ۴۸)، دو بار به‌طور کامل در سوره بقره (آیات ۱۲۲ و ۱۲۳) تکرار شده است. از آنجایی که تکرار اگر با فایده‌ای همراه نباشد محل فصاحت و بلاغت قرآن است، درباره چرایی تکرار این آیه شریفه نظرهای متعددی از سوی مفسران ارائه شده است:

یک. ذکر آیه در مرتبه نخست اشاره به نعمت‌های خداوند به‌طور اجمال است که تفصیل آن در

مرتبه دوم آمده است. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۱ / ۱۰۸)

دو. آیه در نخستین مرتبه اشاره به نعمت‌های الهی به بنی‌اسرائیل در عصر پیامبر اکرم ﷺ دارد

و در دومین بار به نعمت‌های الهی به اسلاف بنی‌اسرائیل. (همان)

سه. تکرار آیه بیانگر تأکید است؛ زیرا هنگامی که نعمت‌های الهی به‌عنوان اصل قرار می‌گیرد که

براساس آن شکر خدا و عبادت او واجب می‌شود، این امر نیازمند تأکید است، همان‌گونه که در مسائل

مهم از تأکید استفاده می‌شود؛ مانند: اذهب اذهب. (طوسی، بی‌تا: ۱ / ۱۸۰)

چهار. تکرار آیه باعث می‌شود سخن متکلم در جان و نفس مخاطب واقع گردد. این امر آمادگی

لازم را برای تحذیری که در ادامه آیات و متابعت از پیامبر اکرم ﷺ آمده است، فراهم می‌آورد. (شیرازی، ۱۳۶۶: ۳ / ۳۱۱)

پنج. اتمام حجت بر بنی اسرائیل و تحذیر از ترک متابعت از پیامبر اکرم ﷺ است که با «وَأَتَّقُوا يَوْمًا...» آغاز شده است. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۱ / ۹۶)

شش. علت تکرار لذت بردن شنونده کلام الهی و ترغیب او برای لذت بردن از اطاعت فرمان خداوند است، چنان که در روایت آمده است که ندا، سختی تکلیف را از بین می‌برد. بنابراین تکرار آیه لغو و هجو نیست. (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۳)

مفسر پرتوی از قرآن در این باره می‌نویسد:

خطاب به بنی اسرائیل و تذکر به نعمت مخصوص، دوباره تکرار شده، تا سرآغاز بیان نعمت‌ها و عنایات مخصوص خداوند درباره آنها باشد. در خطاب اول تذکر به نعمت و درخواست وفای به عهد است، آن عهدی که منشأ نعمت‌های مخصوص پروردگار گردید، آیات پس از خطاب اول تفصیل و بیان همان عهد مخصوص و مجمل است که ایمان و پیروی باشد، در این خطاب تذکر و توجه به نعمتی است که منشأ برتری بنی اسرائیل گردید. آیات بعد هم تفصیل و بیان نمونه‌های همین برتری و الطاف خداوند و گذشت در مقابل لغزش‌ها و کفران نعمت‌ها و سرپیچی‌های آنان است. خداوند بنی اسرائیل را به نعمت هدایت در دنیای گمراهی، توحید در دنیای شرک، نور ایمان در دنیای جهل و تاریکی، قوانین و شرایع در جهان بی‌بندوباری و توحش، و پیوستگی در دنیای از هم گسیخته برتری داد. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱ / ۱۴۸)

### نعمت‌های بنی اسرائیل

آیه به روشنی بر این نکته تصریح دارد که خداوند نعمت‌های زیادی را به بنی اسرائیل عطا نموده است و از آنها می‌خواهد تا یادآور نعمت‌های خداوند به ایشان باشند: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ». (بقره / ۴۷)

نعمت در اینجا جنس و مضاف است و در حکم جمع است، بنابراین مقصود جمع نعمت‌ها است. (ابن عاشور، بی تا: ۱ / ۴۶۶) در اینکه این نعمت‌ها چیست؟ قرآن کریم در آیات مختلفی به گوشه‌هایی از این نعمت‌ها بدین شرح اشاره فرموده است:

- وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ. (ابراهیم / ۶)  
 و [یاد کن] هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خودتان به یاد آرید، آن گاه که شما را از [چنگ] فرعونیان نجات بخشید.  
 - وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ. (بقره / ۵۰)  
 و [یاد کنید] هنگامی را که با [آورد] شما دریا را شکافتیم و شما را نجات دادیم و درحالی که شما می‌نگریستید، فرعونیان را غرق ساختیم.  
 - وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالتَّوْبَةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ. (جاثیه / ۱۶)

و به یقین، به بنی‌اسرائیل [= فرزندان یعقوب] کتاب [تورات] و حکم و نبوت دادیم و از [خوراکی‌های] پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را بر جهانیان اهم‌زمانشان برتری بخشیدیم.  
 - يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ. (طه / ۸۰)

ای بنی‌اسرائیل [= فرزندان یعقوب] به یقین، شما را از [چنگ] دشمنان نجات بخشیدیم و در طرف راست [کوه] طور، با شما وعده گذاشتیم و خوراکی [عسل مانند] و مرغانی [بلدرچین گونه] بر شما فرستادیم  
 - وَقَطَعْنَا لَهُمْ آيَاتِنَا عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَّمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اِثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ. (اعراف / ۱۶۰)  
 و آنان را به دوازده [قبیله از] فرزندان [یعقوب که هر یک،] امتی بودند تقسیم کردیم و به موسی - آنگاه که قومش از او آب خواستند - وحی کردیم که «با عصایت بر سنگ بزن.» و دوازده چشمه از آن جوشید که هر [گروهی از] مردم آبشخور خود را می‌شناختند و ابر را بر آنان سایه گستر کردیم و خوراکی [عسل مانند] و مرغانی [بلدرچین گونه] بر آنان فرستادیم.

همان‌گونه که در آیات فوق ملاحظه می‌شود در نخستین آیه از نجات بنی‌اسرائیل از آل فرعون به‌عنوان نعمت خدا - بر آنان نام برده شده است و از زبان حضرت موسی عليه السلام از بنی‌اسرائیل خواسته شده است تا این نعمت خدا - را به یاد آورند. در دیگر آیات نیز از شکافته شدن دریا، هلاکت دشمنان بنی‌اسرائیل، نزول من و سلوی در بیابان، سایه افکندن ابر بر آنان، نزول تورات و پیامبران پیایی،

اعطاء ملک، برتری بر دیگران، شکافتن سنگ و جاری شدن ۱۲ چشمه و ... که نعمتهایی از جانب خداوند بر امت بنی اسرائیل بوده است، نام برده شده است.

### مقصود از عالمین

واژه عالمین ۷۳ بار در قرآن کریم به کار رفته است. سید محمدحسین طباطبایی درباره معنای عالمین در سوره فاتحه الكتاب می‌نویسد: «این کلمه جمع عالم و به معنای آنچه ممکن است که با آن علم یافت، می‌باشد، ... و روشن است که معنای این کلمه شامل تمامی موجودات می‌شود، هم تک‌تک موجودات را می‌توان عالم خواند و هم نوع‌نوع آنها را، مانند: عالم جماد، عالم نبات، عالم حیوان و عالم انسان و هم صنف صنف هر نوعی را، مانند: عالم عرب و عالم عجم». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۲)

هرچند کلمه «عالمین» در بسیاری از آیات قرآن به معنای انسان‌ها آمده است اما در پاره‌ای از موارد معنای وسیع‌تری دارد و انسان‌ها و دیگر موجودات جهان را شامل می‌گردد، مانند:

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (جاثیه / ۳۶)

و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین است، [همان] پروردگار جهانیان.

و نیز «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ \* قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا؛ (شعراء / ۲۴ - ۲۳)؛ فرعون گفت: «و پروردگار جهانیان چیست؟!» [موسی] گفت: «[او] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است».

چنان‌که در روایتی از امام علی علیه السلام در ضمن تفسیر آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» فرمود: «رَبُّ الْعَالَمِينَ هُمُ الْجَمَاعَاتُ، مِنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ مِنَ الْجَمَادَاتِ وَ الْحَيَوَانَاتِ؛ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَشَارُهُ بِمَجْمُوعِ هَمِهِ مَخْلُوقَاتِ اَعْمٍ از موجودات بی‌جان و جاندار دارد». (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۱۱۱)

این معنای مختلف بیانگر آن است که در بین آنها ناسازگاری وجود ندارد؛ زیرا اگرچه کلمه «عالمین» مفهومی گسترده و وسیع است، اما از آنجا که انسان گل سر سبد مجموعه موجودات جهان است، گاهی او را اصل قرار داده و بقیه را تابع و در سایه او دیده‌اند؛ چراکه هدف اصلی در این مجموعه بزرگ انسان‌ها هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۳۲)

همچنین این واژه از نظر میزان شمولیت مصادیق در همه آیات قرآن کریم معنای کاملاً واحدی ندارد و براساس سیاق و قرائن دارای توسعه و تضییق در معنا است. گاهی تمام جهان و عوالم موجود در آن را شامل می‌شود و گاهی اصناف خاصی را دربر می‌گیرد، چنان‌که عالمین در سوره فاتحه

به معنای اصناف در هر نوعی است، همان طور که علامه طباطبایی می نویسد: «معنای دوم که کلمه عالم به معنای صنف صنف انسان ها باشد، با مقام آیات که مقام شمردن اسماء حسناى خدا است، تا می رسد به «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» مناسب تر است، چون مراد از یوم الدین روز قیامت است، چون دین به معنای جزاء است و جزاء در روز قیامت مخصوص به انسان و جن است، پس معلوم می شود مراد از عالمین هم عوالم انس و جن و جماعت های آنان است». (طباطبایی: همان)

### عالمین در آیه ۷۴ بقره

یکی از واژه های مورد بحث در آیه ۷۴ سوره بقره، واژه عالمین است که فهم معنای آن نقش اساسی در تفسیر آیه دارد. از آنجا که این واژه به صورت مطلق آمده است، شامل تمام انسان ها می شود. از این رو آیه بیانگر برتری بنی اسرائیل بر تمام انسان ها است، اما در مقابل این آیه، آیه ای دیگر وجود دارد که به صراحت امت پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان بهترین امت معرفی می نماید:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ  
بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ.  
(آل عمران / ۱۱۰)

شما بهترین امتی بودید که برای مردم پدیدار شده اند؛ [چه این که] به [کار] پسندیده فرمان می دهید و از [کار] ناپسند منع می کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر [بر فرض] اهل کتاب ایمان آورده بودند، حتماً برای آنها بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمن اند و [الی] بیش ترشان نا فرمان بردارند.

عکرمه و مقاتل درباره شأن نزول این آیه می گویند:

آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» درباره ابن مسعود و ابی بن کعب و معاذ بن جبل و سالم مولی حدیفه نازل شده است و سبب این بود که دو یهودی (مالک بن ضیف و وهب بن یهودا) به آنان گفتند: دین ما از آنچه ما را بدان دعوت می کنید، بهتر است و خود ما هم، بهتر از شما هستیم و آیه در جواب آمد». (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۲۱)

همان طور که پیشتر اشاره شد عالمین عام است و شامل همه کسانی است که قبل از بنی اسرائیل و پس از آنها زیسته اند. از این رو پیامبران بزرگ و اولوالعزمی مانند حضرت ابراهیم علیه السلام - که افضل پیامبران بنی اسرائیل است - و حضرت محمد صلی الله علیه و آله - که افضل از جمیع خلق و سید اولاد آدم در دنیا و آخرت است - را شامل می شود.



بنابراین آیه «وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» با آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» در تعارض است. مفسران برای رفع تعارض، درباره واژه عالمین در این آیه دیدگاه‌هایی را مطرح کرده‌اند: یک. مقصود از عالمین، عالمین زمان اسلاف یهودیان مدینه است. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱ / ۱۰۳؛ سمرقندی، بی تا: ۱ / ۵۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱ / ۱۹۰)

دو. لفظ عالم مشتق از «العلم» است و آن عبارت است از دلیل. پس هر چیزی که دلیل بر خداوند است عالم است و این مطابق قول متکلمین است که عالم هر موجودی غیر از خداوند است. بنابراین نمی‌توان لفظ عالم را به بخشی از محدثات تخصیص زد. (رازی، ۱۴۲۰: ۳ / ۴۹۳) در نقد این دیدگاه گفته شده است که مقصود از عالمین آن گونه که فخررازی پنداشته، نیست بلکه در این آیه، عالمین مجازی و عرفی شایع در مقابل عالمین حقیقی است و به معنای جمع کثیری از انسان‌ها است. (شیرازی، ۱۳۶۶: ۳ / ۳۱۸)

### افضل بودن بنی اسرائیل

واژه «فضل» و مشتقات آن ۱۰۴ بار در قرآن به کار رفته است، اما تنها دو بار آن به صورت متکلم وحده از سوی خداوند بیان شده است که این دو مورد در آیه مورد بحث است. «فَضَّلَ» از باب تفضیل و از ریشه «فضل» به معنای زیادت است. (ابن هائم، ۱۴۲۳: ۱ / ۷۲) عبارت «وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» به واسطه «أَنَّ» تأویل به مصدر شده و به وسیله واو به «نعمتی» عطف شده است. از این رو محلا منصوب و مفعول به فعل «اذکروا» است و معنای آن چنین است: «اذکروا نعمتی و تفضیلی علی العالمین.» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۳۵) بنابراین در آیه مورد بحث به دو خصلت بنی اسرائیل اشاره شده است: یکی نعمت‌هایی که به آنها داده شده و دیگری برتری‌ای که بر دیگران دارند. در اینجا مورد تذکیر در ابتدا به صورت مجمل و سپس به صورت مفصل بیان شده است و گویا چنین گفته شده است که به یاد آورید نعمت‌هایی که بر شما عطا کردم و شما در آن به سر می‌برید از منافعی که در آن تصرف می‌کنید و از آن بهره‌مند هستید و اینکه شما را بر دیگران برتری دادم. (طوسی، بی تا: ۱ / ۲۰۹) از این رو «وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» جزئی از نعمت‌های الهی بر بنی اسرائیل است. (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۲۰۹)

### وجوه برتری بنی اسرائیل

با نگاهی به نعمت‌هایی که خداوند به بنی اسرائیل عطا فرموده است، مشاهده می‌شود که این نعمت‌ها فقط به بنی اسرائیل اختصاص داشته و در میان جهانیان هیچ گروهی به جز آنها از چنین نعمت‌هایی

بهره‌مند نبوده است. (سمرقندی، بی‌تا: ۱ / ۵۰) این نعمت‌ها موجبات افضلیت بنی‌اسرائیل بر دیگران را فراهم آورده است. این فضیلت که به آباء و نیاکان داده شده است، فضیلت نسل و فرزندان آنها نیز می‌باشد. (طوسی، بی‌تا: ۱ / ۲۰۸)

روایات اسلامی بیانگر آن است که اگر افرادی از اهل کتاب به پیامبر اکرم ﷺ ایمان بیاورند، برای آنان فضیلتی نسبت به دیگران خواهد بود و برای آنان دو پاداش در نظر خواهند گرفت؛ یکی اجر ایمان به پیامبر اهل کتاب و دیگری اجر ایمان به پیامبر اکرم ﷺ. چنان‌که در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «خداوند سه گروه را اجر مضاعف دهد: ... دسته سوم گروهی از اهل کتاب است که پیامبر را درک کند و به او ایمان آورد». (سمرقندی: همان)

بنابراین مقصود از فضیلت در دو ناحیه دین و دنیا است. فضیلت دینی بنی‌اسرائیل پذیرش ولایت پیامبر اکرم ﷺ است و فضیلت دنیوی آنها همان اموری است که به‌عنوان نعمت‌های الهی بر بنی‌اسرائیل از آنها یاد شده است. (بنگرید به: بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۲۱۰)

به هر حال آیه شریفه برتری مطلق بنی‌اسرائیل را بر دیگران نمی‌رساند بلکه فقط شامل برتری آنان در پاره‌ای از امور است که به‌عنوان نعمت‌های بنی‌اسرائیل به آنها اشاره شد؛ زیرا تفضیل در اشیاء خاص، موجب افضلیت بر همه مردم، آن هم به صورت مطلق نمی‌شود، چنان‌که وقتی گفته می‌شود «حاتم افضل الناس فی السخاء» فقط بیانگر سخاوت‌مندی حاتم نسبت به دیگر مردم است و بیان‌کننده برتری او بر مردم در شجاعت و قدرت نیست. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۱ / ۱۸۰)

## نتیجه

براساس آنچه بیان شد، موارد ذیل از این مقاله قابل استنتاج است:

- مقصود از بنی‌اسرائیل فرزندان و ذریه حضرت یعقوب ﷺ است.
- مخاطبان «یا بنی‌اسرائیل» از باب توسیع در معنا و همچنین به جهت شرافت اسلاف و نیاکان، یهودیان مدینه در عصر پیامبر اکرم ﷺ می‌باشند. نیز براساس روایات مقصود از «بنی‌اسرائیل» در باطن، آل محمد ﷺ است.

- مقصود از نعمت‌هایی که خداوند به بنی‌اسرائیل عطا فرموده، بخش قابل توجه آن نعمت‌های دنیوی است که نخستین آن نجات بنی‌اسرائیل از آل فرعون است، چنان‌که آیات شریفه قرآن کریم نظیر: «اذْکُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ» به‌صراحت از این موضوع به‌عنوان نعمت خداوند بر بنی‌اسرائیل یاد کرده است. سایر نعمت‌های خداوند بر آنان بدین شرح است:

ارسال پیامبران کثیر در بنی اسرائیل، نزول تورات، هلاکت فرعونیان، سایه افکندن ابرها در بیابان، جوشیدن چشمه از سنگ، نزول من و سلوی در بیابان، سایه افکندن ابر در بیابان سوزان و ... .  
- وجوه برتری بنی اسرائیل بر دیگران را می توان در نعمت هایی که خداوند به آنان اختصاص داده است، جستجو نمود.

- آیه «وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» به جهت عطف به جمله «اذكروا نعمتي...» عطف خاص بر عام است.

- این آیه نمی تواند بیانگر برتری مطلق بنی اسرائیل و یهودیان بر تمامی جهانیان باشد؛ زیرا از سویی آیه مورد بحث به وسیله آیه شریفه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» که خطاب به امت پیامبر ﷺ است، تخصیص زده شده است، همان گونه که شأن نزول آیه نیز به روشنی بیانگر این مطلب است و از سوی دیگر در آیاتی از قرآن کریم برخی از بنی اسرائیل به سبب عصیان و خروج از ایمان مورد غضب و لعنت خداوند قرار گرفته اند.

- مقصود از عالمین در این آیه، بنابر دلایلی که بدان اشاره شد مردم عصر نیاکان یهودیان مدینه است که به دلیل هدایت یافتگی آنان، بر مردم ملحد و بت پرست عصر خویش برتری داشته اند. در این آیه از عالمین که عام است اراده خاص شده است.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، بی جا، بی نا.
- ابن عطیه اندلسی، ابو محمد عبدالحق بن غالب، ۱۴۱۲ ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن هائم، شهاب الدین احمد بن محمد بن عماد، ۱۴۲۳ ق، *التبیان فی تفسیر غریب القرآن*، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
- بروسوی، اسماعیل، بی تا، *روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- رازی، ابوالفتح، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت و دمشق، دار العلم و الدار الشامیه.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التنزیل*، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۳.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ۱۴۱۹ ق، *ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف.
- سمرقندی، محمد بن احمد، بی تا، *تفسیر بحر العلوم*، بی جا، بی نا.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، *فتح القدر*، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب.
- شیرازی، صدرالدین محمد بن ابرهیم، ۱۳۶۶، *تفسیر القرآن الکریم*، قم، بیدار، ج ۲.
- طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، *کتاب التفسیر*، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- کاشانی، ملافتح الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی علمی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مقاتل بن سلیمان بلخی، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- هاشمی، سید احمد، ۱۹۹۹ م، *جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع*، مکتبه العصریه.
- واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱ ق، *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.